

چگونگی ارتباط حق بر حریم خصوصی مقام عمومی و

آگاهی عمومی^۱

محمد جلالی *

مأده تسخیری **

چکیده

مسأله نقض حریم خصوصی افراد، موضوع تازه‌ای نیست. بارها شاهد پخش فیلم، عکس یا مکالمات خصوصی ایشان بوده یا در این مورد شنیده‌ایم. ولی آنچه در چند سال اخیر جلب توجه کرده و جنجال بر انگیز بوده است، پخش شدن اخباری از زندگی خصوصی افرادی است که بعضاً رئیس یک کشور بوده و به خاطر این موضوع تا مرز برکناری از سمت خویش پیش رفته‌اند. از سویی اقتضای رسانه و دنیای امروز در کسب آگاهی برای اداره جامعه و کنترل امور، ایده‌ای را به عنوان حق بر آگاهی از سوی مردم مطرح می‌نماید و از سوی دیگر علی رغم زشت دانستن برخی امور، تهدید نقض حق بر خلوت و حریم خصوصی افراد مطرح می‌شود. هم‌نشینی حریم خصوصی و آگاهی مردم در خصوص مقامات عمومی، اید "محدودیت قانونی و رویه قضایی مبتنی بر ایده تعادل" را به عنوان کم ایراد ترین نظر، از سوی نویسندگان ارائه نموده است.

واژگان کلیدی

حریم خصوصی، مقام عمومی، حق مردم بر آگاهی، رسانه.

^۱ تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۳/۴ تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۴/۱۵

* استادیار حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسؤول مقاله)

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

هر انسانی برای خود محدوده و حریمی را به رسمیت می‌شناسد که به وسیله آن از مداخله و کنجکاوی دیگران در امان می‌ماند. محیط و محدوده‌ای که دارای ارزش و اهمیت بوده و نقض و بی‌احترامی به آن موجب سرزنش، توبیخ و بعضاً مجازات فرد خاطی می‌شود. حتی در عصر ارتباطات که شاید ویژگی بارز آن کم‌رنگ شدن این محدوده است، نگرانی بشر از درندگی‌های اطلاعاتی پایان نیافته و تلاش در جهت نظام‌مند کردن این چارچوب‌ها با دنیای جدید همچنان مورد توجه است. نقش منحصر به فرد رسانه‌ها در پیمودن مرزهای شخصی و جهانی سازی اطلاعات، چنین اموری را به بدیهیات زندگی در چند دهه گذشته تبدیل نموده است. گذشته از مداخله رسانه‌ها در زندگی کلان انسان‌ها و جهت‌دهی فکری ایشان در راستای اهداف خود، بعضاً پخش اطلاعاتی از زندگی خصوصی ایشان به ویژه مقامات بلند پایه ملی، سبب چالش‌ها و بحران‌های حل نکردنی شده است.^۲ بر ملا شدن رسوایی بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا در سال ۱۹۹۸ مشهورترین آن است.^۳

۵۸

به دنبال چنین مسائلی، بحث آگاهی مردم از وضع مقامات عمومی دولت مطرح شد که در آن دیدگاه‌های متفاوتی مشاهده می‌شود. مقام عمومی^۴، فردی دارای سمت خاص اداره امور عمومی در جهت منفعت عمومی است. تعریف دقیقی از آن عنوان نشده است اما با مراجعه به مفهوم خدمت عمومی می‌توان مقامات مسوول آن را شناسایی نمود. «خدمت یا امر عمومی، فعالیت‌ی را گویند که متضمن رفع نیازها و تأمین منافع عمومی است و اداره آن از روابط آزاد و ابتکار خصوصی خارج شده و به گونه‌ای در اختیار و تصدی دولت قرار گرفته باشد، چه دولت آن را تنها اداره کند(مانند دفاع ملی و دادگستری و...)و چه افراد بتوانند در اداره آن مشارکت کنند(مانند بهداشت، آموزش و پرورش و...) که هدف دولت از دخالت در اداره‌ی این امور آن است که خود سرمشق و راهنمای افراد باشد(و چه اداره آن امر با افراد باشد، اما دولت به نحو بسیار دقیقی بر آن نظارت داشته باشد (مانند اداره امتیازات برق،

^۲ شاه‌علی، احمدرضا، اخلاق رسانه و حریم خصوصی؛ رویکرد اسلامی، رسانه، شماره ۸۰، زمستان ۱۳۸۸، ص ۴۴

^۳ <http://www.washingtonpost.com/wp-srv/politics/special/clinton/stories/clinton012198.htm>

^۴ Public officials

آب و تلفن و...)»^۵.

مقام عمومی در واقع یک چهره عمومی است ولی همه چهره‌های عمومی مقام عمومی نیستند. مثلاً یک ورزشکار یا ستاره سینما. بنابراین تمرکز این فعالیت، به بررسی حریم خصوصی اداره کنندگان امور عمومی جامعه به عنوان دسته‌ای از چهره‌های عمومی اجتماع اختصاص دارد نه خوانندگان و بازیگران و... . عده‌ای لازمه کار سیاسی و داشتن مقام عمومی را مجوز چنین مداخلاتی در زندگی خصوصی این افراد می‌دانند و معتقدند افراد با ورود به چنین مناصبی از حریم خصوصی خود صرف نظر کرده و داوطلبانه پذیرای چنین مداخلاتی هستند (نظریه اعراض) و عده‌ای دیگر ماهیت پلید سیاست را عاملی برای کسب اطلاعات در جهت ضربه زدن به مقام صاحب قدرت در صورت عملکرد ناموجه وی بر می‌شمرند (نظریه تلافی)، در این میان عده‌ای دیگر نیز لزوم اداره مطلوب جامعه توسط افرادی شایسته و حفظ منفعت عمومی را مجوز چنین مداخلاتی می‌دانند (نظریه منفعت عمومی) که در ادامه به تبیین نقاط ضعف و رد این نظریات می‌پردازیم. اما در مقابل عده‌ای دیگر علی‌رغم وقیح دانستن برخی امور از سوی افراد و حتی سرزنش بیشتر، به جهت انجام چنین اموری از سوی مقامات بلند پایه عمومی که جلب اعتماد مردم را نموده‌اند، افشای اطلاعات زندگی خصوصی‌شان را تجاوز به حریم خصوصی ایشان تلقی نموده و تقبیح می‌نمایند. از این منظر توجه به رعایت حریم خصوصی زندگی مقامات عمومی از آن جهت که ایشان دارای جایگاه ویژه‌ای هستند که امکان مداخله در کوچک‌ترین مسائل زندگی‌شان به سهولت و با کم‌ترین توجیهی امکان پذیر است (به بیان بالا)، لذا بیشتر حائز اهمیت بوده و باید مورد پاسداری قرار گیرد. هرچند این موضوع اصلاً به این معنا نیست که اگر ایشان کار خلاف و مجرمانه‌ای انجام دادند مورد بررسی و رسیدگی قرار نگیرد، بلکه به این معناست که حریم خصوصی این افراد اگر از سایر مردم عادی بیشتر نباشد کم‌تر هم نیست و باید از این جهت مورد احترام قرار گیرد. چنان چه اگر تجسس و مداخله در زندگی شخصی از اشخاص جامعه صورت گیرد توسط سایرین مذمت می‌شود، در مورد مقام عمومی هم، چنین است.

در ادامه پس از تبیین این دیدگاه‌ها به توضیح مفهوم آگاهی عمومی می‌پردازیم و دامنه آن را بیان می‌داریم و در نهایت الگوی مناسب تعدیل عنصر آگاهی و حریم

^۵ طباطبایی مومنی، منوچهر، حقوق اداری، سمت، ۱۳۹۰، ص ۲۶۵ و نیز، امامی، محمد و استوار سنگری، کورش، حقوق اداری، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ دوم، پاییز ۱۳۸۷، صص ۴۱-۳۴

خصوصی را شرح می‌دهیم.

مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته است. بدین معنا که دیدگاه‌های مختلف پیرامون حریم خصوصی و آگاهی عمومی مطرح شده و سپس به تحلیل نظرات پرداخته‌ایم و نظریه مطلوب در هر حوزه و چگونگی نسبت‌شان را از نظر گذرانیدیم.

از آن‌جا که حریم خصوصی افراد، کلید برخورداری ایشان از آزادی به عنوان حق بنیادین است؛ ضرورت تلاش انجام گرفته در این پژوهش نیز در جهت حمایت از حقوق و آزادی‌های افرادی صورت گرفته است که صرف انسان بودن، آنان را از این حقوق بهره‌مند می‌سازد. امید است این نوشتار در بررسی اهداف مورد نظر موفق بوده و راهی در جهت سازگاری بگشاید.

۱. حریم خصوصی و دیدگاه‌های حول آن

۶۰

در این قسمت، ابتدا به ارائه تعریفی در زمینه حریم خصوصی به طور کلی می‌پردازیم و سپس دیدگاه‌های حول این موضوع، به ویژه نظرات راجع به حریم خصوصی مقامات عمومی را مطرح نموده و نقد می‌نماییم.

۱.۱. تعریف حریم خصوصی (حق بر خلوت)^۶

مفهوم حریم خصوصی یک معنای ثابت و واحد نیست بلکه در طول زمان‌ها و بسته به مکان‌های مختلف، برداشت‌های متفاوتی از آن ارائه شده است. مثلاً در ایران کم‌تر از صد سال پیش مردم با این استدلال که با صدور شناسنامه می‌خواهند نام خود و متعلقاتشان را در دفتر دولت بنویسند، با ثبت احوال مبارزه می‌کردند و کسی حق نداشت نام همسر و فرزندان، تعداد زوجات و سن آن‌ها را بداند.^۷ در حالی که امروزه به امری بدیهی بدل شده است. به همین دلیل است که تعریف واحدی از

^۶ The right to be left alone

^۷ شهری‌باف، جعفر، تاریخ اجتماعی ایران در قرن ۱۳، ج ۶، مؤسسه فرهنگی رسا، چاپ سوم، ۱۳۷۸، ص ۲۸۶ در: شاه علی، احمد رضا، اخلاق رسانه و حریم خصوصی؛ رویکرد اسلامی، رسانه،

حریم خصوصی تاکنون ارائه نشده است.^۸ تنها می‌توان به تلاش‌هایی برای برشمردن برخی مصادیق روشن آن از سوی مجامع بین‌المللی^۹ یا ارائه تعاریفی کلی اشاره نمود. در ارائه تعریفی از حریم خصوصی، باید به این نکته توجه نمود، که ارائه تعریفی جامع همه زوایا و مانع از ورود مفاهیم غیر، بسیار دشوار است و این معضلی است که اندیشمندان دنیا با آن مواجه‌اند. برای مثال "آرتور میلر"^{۱۰} می‌گوید: «تعریف حریم خصوصی دشوار است زیرا حریم خصوصی یک مفهوم بسیار مبهم و شکننده‌ای

^۸ همان، ص ۴۸

^۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) در ماده ۳ چنین می‌گوید: هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد و در اصل ۱۲ نیز آمده نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات هیچ‌کس مداخله‌های خودسرانه صورت گیرد یا به شرافت و آبرو و شهرت کسی حمله شود. در برابر چنین مداخله‌هایی برخورداری از حمایت قانون حق هر شخصی است.

ماده ۱۷ میثاق حقوق مدنی-سیاسی (۱۹۶۶) نیز دربردارنده این نکته است که: هیچ کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات مورد مداخلات خودسرانه (بدون مجوز) یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیرقانونی واقع شود. و هر کس حق دارد در مقابل این گونه مداخلات یا تعرض‌ها از حمایت قانون برخوردار گردد.

شورای اروپا در قطعنامه‌ای که درباره حریم خصوصی صادر کرده حریم خصوصی را به عنوان حقی نسبت به داشتن زندگی با سلیقه خود و حداقل مداخله دیگران تعریف کرده است.

هم چنین کنفرانس حقوقدانان درباره حق رعایت حریم خصوصی که در نروژ برگزار شد، در بند ۲ اعلامیه خود آورده است: حق حریم خصوصی حقی است نسبت به تنها ماندن نسبت به زندگی کردن با سلیقه خود و با حداقل درجه مداخله دیگران.

در اعلامیه حقوق بشر اسلامی (۱۳۶۹) نیز در ماده ۱۸ قسمت ب در زمینه توجه به حریم خصوصی آورده است هر انسانی حق دارد که در امر زندگی خصوصی خود استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر وی و مخدوش کردن حیثیت وی جایز نیست و باید از وی در مقابل هرگونه دخالت زورگویانه حمایت شود.

توجه به حریم خصوصی در بیانیه اصول اجلاس عالی سران درباره جامعه اطلاعاتی مصوب ۱۲ دسامبر ۲۰۰۳ نیز دیده می‌شود. در ماده ۳۵ این بیانیه آمده تقویت چارچوب اطمینان بخش از جمله امنیت اطلاعات و امنیت شبکه، تضمین اعتبار، حفظ حریم خصوصی و حمایت از مصرف‌کننده از پیش‌شرط‌های ایجاد جامعه اطلاعاتی و ایجاد اعتماد میان استفاده‌کنندگان از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی است.

در ماده ۵۸ این بیانیه نیز در استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی رعایت حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین از جمله حریم خصوصی تأکید شده است.

^{۱۰} Arthur Miller

است»^{۱۱}. ولی تلاش‌ها برای برشمردن برخی مصادیق آن، شاید تعاریف ذیل را مناسب برشمرد:

«حریم خصوصی، حقی نسبی و قلمروی از زندگی اشخاص است که یک انسان متعارف بر مبنای حفظ شأن و کرامت انسانی، با درک نیازهای جامعه، تجاوز به آن را جایز نمی‌شمارد»^{۱۲}.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، در این تعریف به خوبی به ویژگی زمان و مکان و... اشاره شده است. شرایط اجتماعی هر محیط و جامعه‌ای تعریفی خاص را از حریم خصوصی به رسمیت می‌شناسد که چنان‌که پیش‌تر به آن اشاره نمودیم، بسیار حائز اهمیت خواهد بود.

در تعریفی دیگر، حریم خصوصی این گونه معرفی شده است: «قلمروی از زندگی هر فرد است که آن فرد نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی، انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته باشند یا به آن قلمرو وارد نشوند یا به آن قلمرو نگاه یا نظارت نکنند یا به هر صورت دیگری وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهند»^{۱۳}.

در این تعریف نیز، ضمن توجه به ویژگی عرفی بودن، عنصر نوعی نیز مورد اشاره قرار گرفته است. چرا که برخی امور، چنان‌که در بر شمردن مصادیق متیقن حریم خصوصی به شمار می‌آیند، همیشه جزء این محدوده محسوب می‌شوند. به علاوه در این تعریف، با اشاره به حالات عدم تعرض، به نوعی به مصادیق حریم خصوصی نیز اشاره شده است.

بنابراین می‌توانیم نتیجه بگیریم، "آن چه نوعاً یا عرفاً قلمرو زندگی انسان متعارف را با توجه به کرامت ذاتی و جایگاه اجتماعی وی از تعرض دیگران مصون می‌نماید" حریم خصوصی شخص تعریف می‌شود.

^{۱۱} انصاری، باقر، حریم خصوصی در رسانه‌های همگانی، پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۳۹ و ۴۰، زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۹۷ و انصاری، باقر، حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام تطبیقی و ایران، حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۶۶، زمستان ۱۳۸۳، ص ۵

^{۱۲} عامری، معصومه و عامری، زهرا، حریم خصوصی در کلام و سیره امام علی (علیه السلام)، علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره ۵۶، زمستان ۱۳۹۰، ص ۳۸

^{۱۳} انصاری، باقر، حقوق حریم خصوصی، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۳۸ و شاه علی، احمد رضا، اخلاق رسانه و حریم خصوصی؛ رویکرد اسلامی، رسانه، شماره ۸۰، زمستان ۱۳۸۸، ص ۵۰

۱.۲. دیدگاه‌های حول حریم خصوصی

با وجود مطرح شدن حریم خصوصی به عنوان یک حق در سال ۱۹۸۰ از سوی "ساموئل دی. وارن" و "لوئیس براندیس" که به دنبال کنجکاوی خبرنگاران در مورد برگزاری ضیافتی در منزل آقای وارن صورت پذیرفت^{۱۴}، گروهی با حقی به نام حریم خصوصی، کاملاً مخالفت کرده و آن را مربوط به زمان گذشته می‌دانند و بر این باورند که اقتضای زندگی در دنیای امروز، صرفاً لزوم توجه به زندگی جمعی و منافع عمومی را می‌طلبد.^{۱۵}

اما در مقابل، طرفداران این حق انسانی، در تقسیم بندی‌های مختلفی قرار می‌گیرند که ضمن توافق بر سر اصل وجود چنین حقی، دیدگاه‌های متفاوتی از آن در برابر مقامات عمومی و صاحب منصبان اداره جامعه دارند. در این بخش، به ایده‌های مخالفان حریم خصوصی مقام عمومی می‌پردازیم، این عده با اساس وجود این حق مخالفتی ندارند ولی در موضوع حاضر از آن دفاع نمی‌نمایند و معتقد به وجود حریم خصوصی برای مقامات عمومی نیستند و با نقد هر یک از آنان، نظر موافقان حریم خصوصی مقامات عمومی را بیان می‌داریم. لازم به ذکر است نظرات ذیل، از بررسی منابع مختلفی گرد آوری شده‌اند و به صورت منسجم در جایی عنوان نشده است.

۱. طرفداران نظریه اعراض^{۱۶}: این گروه بر این باورند که ذات و ماهیت دارا بودن مقام عمومی و اداره جامعه در برگیرنده نظارت و دخالت ریز بینانه مردم در جهت شفاف سازی مسائل و تضمین حکمرانی خوب و پاسخ‌گویی دولت‌هاست

^{۱۴} هوسمن، کارل، حرمت حریم خصوصی در برابر حق مردم به آگاهی از رویدادها، ترجمه داوود حیدری، رسانه، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۷۵، ص ۴۳

^{۱۵} مشهورترین دیدگاه در این زمینه از آن "جودیس جرویس تامسون" است. برای مطالعه ن.ک.: Judith Jarvis Thomson, "The Right to Privacy," *Philosophy & Public Affairs*, 4.4 (1975), pp 295-314

و عامری، معصومه و عامری، زهرا، حریم خصوصی در کلام و سیره امام علی (علیه السلام)، علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره ۵۶، زمستان ۱۳۹۰، صص ۳۷-۳۵

برای دیدن نظر مخالف که حق بر حریم خصوصی را یک حق اخلاقی بنیادین بر می‌شمرد مراجعه نمایید به:

Alfino, M. & Randolph Mayes, G., "Reconstructing the Right to Privacy", *California State University* (2002), pp 1-25

^{۱۶} Waiver theory

و آنان که به این قلمرو وارد می‌شوند آگاهانه، دست از حق بر حریم خصوصی خویش می‌شویند. این گروه از این موضوع به عنوان نوعی معامله یاد می‌کنند (a sort of Faustian bargain)؛ معامله‌ای که در آن ارزشی معنوی با ارزشی دنیوی یا با قدرت معاوضه می‌شود. یعنی در ازای شهرت مادام العمر، حریم خصوصی شان را مادام العمر از دست می‌دهند.

اما این نظر دقیقاً شبیه به موردی است که بگوئیم در ورزش، جراحی و آسیب دیدن محتمل و بلکه گریز ناپذیر است؛ ولی این بدان معنا نیست که یک فرد با ورود به عرصه ورزشکاری از حق بر سلامت خود چشم‌پوشی می‌نماید و مثلاً در صورت بروز خطا از سوی ورزشکاری دیگر به عنوان مثال در بازی فوتبال، ورزشکار خاطی را توبیخ نکرده و بگوئیم که این در ذات یک بازی دسته جمعی است و پیش می‌آید! چرا که بدین ترتیب افراد از ترس به خطر افتادن جانشان و کم توجهی‌ای که به این موضوع می‌شود، رغبتی برای ورود به این عرصه نمی‌نمایند؛ خطری که مشابه آن برای مقامات عمومی در این طرز تفکر، می‌تواند مطرح شود. باید دانست که وجود برخی امور به ظاهر بدیهی در هر عرصه‌ای به معنای پذیرش داوطلبانه آن نیست؛ بلکه صرفاً این معنا را متبادر می‌نماید که در این عرصه فلان موضوع شایع است پس باید بیشتر دقت نمود تا درگیر آن نشد ولی در صورت ابتلا، راه‌های درمانی همچنان باقی است نه این که چون باید می‌دانستی چنین موضوعی وجود دارد دیگر نمی‌توان چاره‌ای اندیشید. باید یاد آور شد که شاید بتوان شباهت‌هایی بین این نظر با نظریه اقدام مشاهده نمود ولی باید خاطر نشان کرد که یک پارادایم از بی‌گناهی همیشه در مسأله آبرو وجود خواهد داشت که در نظریه اقدام وجود ندارد. ضمن آن که بر خلاف عمل فرد در اقدام، در موضوع مد نظر، فرد عملی کاملاً مشروع و نافع اداره امور عمومی و رتق و فتق نیازهای مردم را بر عهده گرفته و انجام می‌دهد.

۲. طرفداران نظریه ریاکاری^{۱۷}: این عده نیز بر این باورند که ماهیت سیاست، آن را به ابزاری فریبنده و دروغ‌گو در جهت حفظ منافع صاحب منصبانش تبدیل می‌نماید. لذا مردم باید همیشه برگ برنده‌ای در دست داشته باشند، تا از آن علیه فریبکاری‌های مقامات استفاده نمایند. این مهم، تنها با کنکاش در زندگی

^{۱۷} Hypocrisy theory

خصوصی ایشان و جمع آوری اطلاعات لازم حاصل می آید تا به موقع از آن بهره برده شود.

این نظریه نیز از قوت چندانی برخوردار نیست، چرا که نابود کننده اساس صداقت و شفافیت است. به این توضیح که اگر چنین پیش فرضی غلبه نماید، آن گاه باید منتظر این باشیم که عرصه اداره جوامع به صحنه کشمکش های ناموجه تبدیل شود. دیگر نمی توان به هیچ مدیر و سیاست مداری اعتماد نمود و امر اداره جامعه با چالش بی اعتمادی روبرو شده و به راحتی عاجز از دستیابی به مقصود می ماند؛ صحبت از حکمرانی خوب بی معناست و آن چه باقی می ماند نه منافع عمومی بلکه تلاش برای حفظ سمت است. از طرفی تاریخ حکمرانی در شرق و غرب عالم، مقاماتی را به خاطر سپرده است که یادآوری خدماتشان همچنان غرور آفرین بوده و مردم با شنیدن نامشان آرزوی بازگشت به آن دوران را می نمایند.^{۱۸} هر چند حتی وجود مثال هایی این چنین نمی تواند ذات خطرناک قدرت و کسانی که در آن مسند قرار می گیرند را تغییر دهد، اما بنا را بر بی اعتمادی و پیش داوری منفی گذاشتن نیز راه چاره مناسبی نخواهد بود.

۳. طرفداران نظریه منفعت عمومی^{۱۹}: طرفداران این نظر با اولویت دادن به منفعت عمومی در برابر حقوق فردی، خاصه در مورد مقامات عمومی و موقعیت حساس اداره امور عمومی از سوی ایشان، بر این نکته تاکید می نمایند که اهمیت و حساسیت منافع عمومی ایجاب می کند، توجه به عملکرد صاحب منصبان دائما از سوی صاحبان اصلی قدرت یعنی مردم رصد شود تا چنین برانداز موشکافانه- ای، عاملی بازدارنده بر سر راه خودکامگی و فساد قدرت حاکمان گردد. در نتیجه، فدا شدن حقی فردی (حریم خصوصی) در مقابل چنین منفعت بزرگی کاملاً منطقی و عاقلانه خواهد بود.

^{۱۸} در رابطه با این دو نظریه (اعراض و ریاکاری) ن.ک.:

Hilden, J., "DOES CELEBRITY DESTROY PRIVACY? Naomi Campbell And Narcotics Anonymous", (2002) accessed on 22 July 2014 at <http://writ.news.findlaw.com/hilden/20020402.html>

^{۱۹} Public Interest theory

شاید بتوان گفت این ایده پرتطرفدارترین نظریه در بین مردم برای توجیه مداخله در حریم خصوصی مقامات عمومی است. ولی باید به این مهم اشاره نمود، که رصد شدن اعمال و رفتار کسانی که برای اداره امور عمومی و منافع جمعی برگزیده شده‌اند، از سوی مردم نه تنها شایسته بلکه لازمه یک جامعه ترقی خواه و دموکراتیک بوده و نشانه قوت آن است. ولی آن چه حائز اهمیت می‌نماید، حدود و دامنه این نظارت است. چرا که نمی‌توان بدون تحدید مرزهای این مداخله، افراد را در معرض آماج داورهای عمومی قرار داد. زیرا این امر خود ناقض حق بنیادین افراد، به ویژه آزادی می‌شود و چنان که می‌دانیم حقوق بنیادین نقض نخواهند شد؛ مگر با توجیه متناسب و موجه‌ای از سوی مدعیان مصلحت کلان. بنابراین نمی‌توان یک حکم کلی در مورد برتری منفعت عمومی پیش گفته بر حق بنیادین انسانی صادر نمود و موضوع نیازمند بررسی در هر مورد و وضعیت خاص است. یافتن تعادل مناسب بین مصالح جمعی و حقوق فردی، که این مقاله از آن به عنوان راهکار مناسب در دستیابی به پرسش اولیه بهره برده‌است در ادامه مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.^{۲۰}

از سوی دیگر باید به این نکته توجه نمود که هر مقام عمومی، برای اداره امری مشخص از امور عمومی، قبول مقام می‌نماید. بنابراین منطقی می‌نماید، که حیطه نظارت و کنترل اجتماعی، محدود در همان حیطه مشخص، صورت گیرد. این امر، راه را برای مداخلات بی‌جای دیگران در وجوه مختلف زندگی شخصی مقامات عمومی سد کرده و اداره بهتر را به دنبال خواهد داشت. مسلماً تعیین این حیطه بسیار حائز اهمیت است. چرا که با مشخص شدن آن، حوزه نظارت عموم و به ویژه رسانه روشن شده و از طرفی خود مقامات عمومی نیز از آگاهی و دقت بیشتری برخوردار می‌شوند. در ارائه نظریه نهایی، بیشتر به این موضوع خواهیم پرداخت.

وجه دیگری که لازم به ذکر می‌باشد، این است که حق بر حریم خصوصی، ناظر به انسانیت هر انسان به صرف انسان بودنش است. هرکس فارغ از مذهب، رنگ، نژاد، زبان، طبقه و پایگاه اجتماعی، دارای این حق اولیه بنیادین می‌باشد زیرا ریشه در حق آزادی به عنوان حق بنیادین وی دارد. مقامات عمومی نیز افراد انسانی اما دارای جایگاهی متفاوت‌اند که حق بر حریم خصوصی ایشان ناظر به وجه انسان بودن‌شان است و از این جهت با افراد عادی قاعدتاً نباید تفاوتی داشته باشند و پایگاه

^{۲۰} در رابطه با بالانس مصالح جمعی و حقوق فردی ن.ک: بیات کمیتکی، مهناز، مطالعه نظری نسبت

حقوق فردی و مصالح جمعی، رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰.

و جایگاه ویژه ایشان ابتدائاً نمی‌تواند عاملی برای تمایز باشد. بلکه به نحو ثانوی باید مورد بررسی قرار گیرد. بدین معنا که داشتن و حرمت حریم خصوصی، حقی انسانی است که تمام آحاد بشر از آن برخوردارند و ادعای فقدان آن برای انسان‌هایی که دارای مقام عمومی هستند، ادعایی خلاف اصل و نیازمند براهین قابل مقابله با آن اصل قدرتمند اولیه که ضامن آزادی هر فرد است، می‌باشد. البته جا دارد در این زمینه به رای دیوان اروپایی حقوق بشر اشاره‌ای داشته باشیم. در این رای^{۲۱}، نوه استالین از یک نشریه و نویسنده مقاله‌ای در آن، به جرم افترا به پدر بزرگش شکایتی مطرح نمود که توسط دادگاه منطقه‌ای مسکو رد شد. وی شکایت خود را به دیوان اروپایی حقوق بشر علیه آن دادگاه مبنی بر کوتاهی در برابر حمله و آسیب به شهرت و نام پدر بزرگ سرشناسش، اظهار داشت. هر چند جزئیات و نتیجه رای جالب است ولی آن چه برای ما حائز اهمیت می‌نماید، اظهار نظر دیوان در این مورد است که، ابتدائاً انتشارات مرتبط با شهرت عضو در گذشته‌ای از یک خانواده را تحت اوضاع و احوال خاص، موثر بر هویت و زندگی خصوصی فرد دانسته و تحت شمول ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در حمایت از حریم خصوصی قلمداد نمود^{۲۲}. اما در نهایت، دیوان بین افترا به یک فرد خصوصی که شهرتش جزء لاینفک شهرت خانوادگی و تحت حمایت ماده ۸ است و انتقاد مشروع از چهره‌های عمومی که خود را در معرض قضاوت و دقت همگانی قرار می‌دهند، تفکیک قائل شد^{۲۳}. اما با دقت در این رای دیوان در می‌یابیم، این که یک چهره عمومی (مقام عمومی مورد نظر ما) در معرض قضاوت و دقت همگانی قرار گیرد، منطقی به واسطه جایگاهش اجتناب‌ناپذیر بلکه مقتضای فعالیت وی است و مسلماً وی در طول دوران خدمتش در رابطه با

^{۲۱}<http://hudoc.echr.coe.int/sites/eng/pages/search.aspx?i=001-128204>

^{۲۲} ماده ۸:

- هر کس از حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی، خانه و مراسلات خود برخوردار است.
- در اجرای این حق هیچ مداخله‌ای نباید از سوی هیچ یک از مقامات دولتی صورت گیرد مگر مداخلات منطبق بر قانون و مواردی که در یک جامعه‌ی مردم‌سالار به دلایل حفظ امنیت ملی، ایمنی عمومی یا رفاه اقتصادی کشور، پیش‌گیری از هرج و مرج و جرایم، حفاظت از سلامتی و اخلاقیات یا حفاظت از حقوق سایرین ضروری تشخیص داده شوند.

^{۲۳} گرشاسبی، علی، دیوان اروپایی حقوق بشر: انتقاد از ژوزف استالین مغایرتی با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ندارد، تازه‌های ملل متحد (دوهفته‌نامه انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد)،

شماره ۴۹، بهمن ۱۳۹۳، صص ۱۲-۱۳

مسئولیتی که دارد، با اظهارنظر و انتقاداتی مواجه خواهد شد. اما مسأله اصلی آن حوزه‌ای است که مورد مذاقه و تجسس مردم قرار می‌گیرد. که نباید به اسم کنترل، سالب کل حریم خصوصی فرد انسانی شود. چه این‌که، تنها با روشن بودن آن حوزه، توان بررسی تفاوت انتقاد مشروع از افترا فراهم می‌آید. به عبارت دیگر، تنها زمانی که عموم، در محدوده منطقی و تعیین شده‌ای شروع به کسب اطلاعات و اخبار نموده و اظهار نظر می‌نمایند، می‌توان به بررسی این امر پرداخت که آیا آن‌چه که گفته شده انتقادی مشروع بوده یا افترايي قابل مجازات؛ ولی اگر عموم پا را فراتر گذاشتند و تجسس ایشان مشمول عنوان نقض حریم خصوصی شد (به دلیل عدم رعایت محدوده نظارت و کنترل)، آن‌گاه ادعای هتک حیثیت و نقض حریم خصوصی از سوی مقام عمومی مانند هر انسان دیگری پذیرفته شده و کاملاً موجه خواهد بود.

بنابراین ملاحظه شد که ادعای مخالفت با حریم خصوصی مقام عمومی و متفاوت دانستن آن از حریم خصوصی افراد عادی دلایل آشکارا غیر قابل نقضی ارائه نمی‌کند. با در نظر گرفتن چنین موضوعی می‌توان دریافت، حریم خصوصی به عنوان حقی غیرقابل انکار که ضامن آزادی افراد بشری است، اصلی ثابت و مسلم بوده که ادعای موجه دانستن نقض آن در مورد مقام عمومی و متفاوت قلمداد کردن حریم خصوصی وی از سایر افراد جامعه به دلایل پیش‌گفته، توان اثبات دیدگاه خود را ندارد لذا، اصل اولیه (حرمت حریم خصوصی افراد چه عادی و چه مقامات عمومی) به حکم منطقی، ثابت خواهد ماند.

آن‌چه در این بخش تبیین گردید ما را به سوی این پرسش رهنمون می‌سازد که، آیا با بررسی ثانوی می‌توان اقتضای زندگی در دنیای مدرن و لزوم آگاهی مردم از امور را دلیلی برای محدود ساختن حریم خصوصی این افراد و دخالت در برخی وجوه آن دانست؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا باید حق بر آگاهی مورد بررسی قرار گیرد تا ماهیت آن معلوم گردد سپس به دنبال نظریه سازگار در تبیین عناصر آگاهی با حریم خصوصی مقام عمومی بود.

۲. حق بر آگاهی (حق بر دانستن)^{۲۴} ۲۵

در این قسمت از مقاله پس از بیان چگونگی شکل گیری حقی به نام آگاهی عمومی در دنیای امروز، به ارائه مستندات در رابطه با آن خواهیم پرداخت تا محدوده و مقصود قانونی از ایجاد چنین حقی واضح شود.

۱,۲. چگونگی شکل گیری

این حق بعد از جنگ جهانی دوم وارد فرهنگ مردم (آمریکا) شد و توسط «کنت کوپر»^{۲۶} مدیر عامل پیشین خبرگزاری آسوشیتدپرس عمومیت یافت. «کوپر» آن گونه که «کنراد فینک»^{۲۷} از وی نقل قول کرده است، عقیده داشت اصلحیه اول قانون اساسی^{۲۸} به مطبوعات اجازه می‌دهد که آزادانه نسبت به انتشار اخبار اقدام کنند و حق مردم به آگاهی یافتن از مسائل، مطبوعات را موظف می‌سازد تا اخبار را منتشر نمایند. بدین ترتیب ایده "نیابت مطبوعات از جانب مردم" شکل گرفت و مردم از مطبوعات می‌خواهند تا به نیابت از جانب آن‌ها به اخبار دسترسی یافته و آزادانه

^{۲۴} Right to Know

^{۲۵} این که آیا می‌توان از "آگاهی" با لسان حق صحبت کرد یا خیر، بحثی درباره ماهیت این امر است که به دلیل ارتباط غیر مستقیم آن با موضوع حاضر، از پرداختن به آن اجتناب می‌نماییم. اما اجمالا، زمانی از امری به عنوان حق یاد می‌شود که از کرامت انسانی و فاعلیت اخلاقی فرد انسانی حمایت نماید و نقض آن، آشکارا این دو مورد را نقض کند. در حالی که اگر به فردی درباره دانستن امری اجازه ندهیم، کرامت ذاتی او یا قدرت اختیارش را مستقیماً سلب نکرده ایم بلکه تمایل به دانستن و کسب اطلاعات برای اداره بهتر امور، اقتضای عصر اطلاعات و از مصالح عمومی به تعبیری قلمداد خواهد شد. اما در هر حال، حتی در صورت عدم پذیرش این ایده در مورد حق‌ها، ما با مسئله تزامن دو حق یا تعارض حق و مصلحت مواجه هستیم که در هر دو مورد باید به کشف اولویت و گزینه اهم بپردازیم. در مورد چیستی و ماهیت حق‌ها و مصالح جمعی ن.ک.: بیات کمیتی، مهنار، مطالعه نظری نسبت حقوق فردی و مصالح جمعی، رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰

^{۲۶} Kent Cooper

^{۲۷} Konrad Fink

^{۲۸} اصلحیه اول قانون اساسی آمریکا (۱۷۹۱): «کنگره در خصوص رسمیت بخشیدن به یک دین، یا منع پیروی آزادانه از آن یا محدود ساختن آزادی بیان یا مطبوعات یا حق مردم برای برپایی اجتماعات آرام و دادخواهی از حکومت برای جبران خسارت، هیچ قانونی را وضع نمی‌کند.»

نسبت به انتشار آن‌ها مبادرت کنند^{۲۹}.

در سال ۱۹۹۹ نیز یک سازمان غیر دولتی^{۳۰} در بریتانیای کبیر، اقدام به تنظیم و انتشار اصولی برای ساختارمند کردن آگاهی‌های عمومی برای بهبود حکومت، پاسخ‌گویی و تقویت دموکراسی نمود. این سازمان نام خود را از ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر گرفت که در ادامه بدان اشاره خواهد شد و اصولی نظیر حداکثر میزان دسترسی به اطلاعات، الزام به انتشار توسط مقامات، ارتقای «دولت باز»، محدودیت‌های اندک برای عدم ارایه اطلاعات، تسهیل و زمانبندی دسترسی به اطلاعات و... را معرفی کرد^{۳۱}.

۲.۲. محدوده مداخله و آگاهی:

در زمینه نحوه این مداخله و اطلاع رسانی، قوانین مختلفی از نظر گذشته است، که اهم آن را به عنوان نمونه می‌آوریم. با در نظر گرفتن همه این موارد می‌توان متوجه شد که، در دسترسی به اطلاعات و افشای آن، روند آزادانه مطلق در نظر گرفته نشده‌است و قیودی ذکر شده که اهمیت ذکر آن‌ها مدنظر ما است.

در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) بیان می‌شود هر انسانی محق به آزادی عقیده و بیان است؛ و این حق شامل آزادی داشتن باور و عقیده‌ای بدون [نگرانی] از مداخله [و مزاحمت]، و حق جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات و افکار از طریق هر رسانه‌ای بدون ملاحظات مرزی است.

در بخش دوم و سوم ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی-سیاسی (۱۹۶۶) نیز چنین بیان شده است که هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات، خواه شفاهی یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا بهر وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد. اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای

^{۲۹} هوسمن، پیشین، ص ۴۴

^{۳۰} نام سازمان) ARTICLE 19

^{۳۱} Mendel, Toby, "The public's right to know, ARTICLE 19", 33 Islington High St., London, N1 9LH, UK (1999)
See: <http://www.article19.org/>

امور ذیل ضرورت داشته باشد: احترام حقوق با حیثیت دیگران و حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی.

در ماده ۲۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر (۱۳۶۹) نیز به نسبت، قیودی مطرح می‌نماید. بدین شرح که هر انسانی حق دارد که نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد آزادانه بیان دارد. تبلیغات یک ضرورت حیاتی برای جامعه است و سوء استفاده و سوءاستعمال آن و حمله به مقدسات و کرامت انبیاء یا بکارگیری هر چیزی که منجر به ایجاد اختلال در ارزش‌ها یا متشتت شدن جامعه یا زیان یا متلاشی شدن اعتقاد شود، ممنوع است. برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد، نیز جایز نیست.

بند اول ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰) نیز بیان می‌کند، هر کس از حق آزادی بیان برخوردار است. این حق باید شامل آزادی داشتن عقاید و دریافت و بیان اطلاعات و ایده‌ها بدون دخالت مقامات دولتی و بدون در نظر گرفتن مرزبندی‌های جغرافیایی باشد. این ماده، مانع تقاضای دولت‌ها برای دریافت مجوز به منظور انتشار اخبار یا فعالیت‌های بنگاه‌های تلویزیونی و سینمایی نخواهد بود و بند دوم اعمال این آزادی‌ها، از آنجا که با خود وظایف و مسؤولیت‌هایی را به همراه دارند، نیازمند تشریفات، شرایط، محدودیت‌ها یا مجازات‌هایی می‌داند که توسط قانون مقرر شده و در یک جامعه مردم‌سالار به منظور حفظ منافع امنیت ملی، تمامیت ارضی یا ایمنی عمومی جهت ممانعت از ایجاد هرج و مرج یا ارتکاب جرایم، حفاظت از سلامتی و اخلاقیات مردم، حمایت از آبرو یا حقوق سایرین، جلوگیری از افشای اطلاعات محرمانه یا حفظ اقتدار و بی‌طرفی دستگاه قضاوت لازم و ضروری هستند.

به همین ترتیب، ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) نیز کودک را دارای حق آزادی ابراز عقیده می‌داند. این حق شامل آزادی جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و عقاید از هر نوع، بدون توجه به مرزها، کتبی یا شفاهی یا چاپ شده، به شکل آثار هنری یا از طریق هر رسانه دیگری به انتخاب کودک می‌باشد و اعمال این حق ممکن است منوط به محدودیت‌های خاصی باشد، ولی این محدودیت‌ها فقط منحصر به مواردی است که در قانون تصریح شده و ضرورت دارند. یعنی برای احترام به حقوق یا آبروی دیگران یا حفاظت از امنیت ملی یا نظم عمومی یا به خاطر سلامت عمومی و یا مسائل اخلاقی.

چنان که ملاحظه شد، دسترسی و افشای اطلاعات با قیودی همراه شده است

که از آن جمله می‌توان به حریم خصوصی افراد و حرمت آبروی ایشان اشاره نمود. بنابراین، همان‌طور که در مورد حریم خصوصی اشاره نمودیم که مفهومی نسبی و فاقد تعریفی واحد ولی با برخی مصادیق حداقلی و روشن است که امکان ورود به آن‌ها در صورت موجه امکان پذیر خواهد بود، آگاهی عمومی و کسب اطلاعات نیز مطلق نیست و در صورت اثبات تحقق قیود در نظر گرفته شده، کسب اطلاعات و دامنه آگاهی محدود می‌شود.

اکنون برای دستیابی به ایده‌ای سازگار در نسبت سنجی حریم خصوصی و آگاهی که هر دو مفاهیمی قابل انعطاف و غیر مطلق‌اند، به بررسی دو راهکار ارائه شده موجود می‌پردازیم و با بر شمردن نقاط ضعف آن‌ها، نظریه مطلوب را طرح می‌نماییم.

۳.۱. ارائه راهکار در نسبت سنجی حق بر حریم خصوصی و آگاهی عمومی

در این بخش از مقاله ذکر این نکته لازم می‌آید که، تا کنون نظرات چندانی پیرامون هم نشینی متناسب مفاهیم مورد نظر ارائه نشده است. بررسی نویسنده در این راستا به دستیابی تنها یک نظر مدون در این زمینه انجامیده است که ذیل راهکار اول آن را مطرح نموده و نقطه نظرات خود را ارائه می‌نماییم. راهکار دوم نیز فرض مقدری است که نویسنده به آن اشاره و نقد لازم را به عمل می‌آورد.

۳.۱.۱. راهکار اول

«نه دیدگاه افراطی مبتنی بر آزادی کامل و مطلق رسانه در اطلاع رسانی می‌تواند در عمل کارگشا باشد و نه دیدگاه تفریطی مبتنی بر اصل محدودیت در اطلاع رسانی دیدگاه حق، راهی است بین این افراط و تفریط. به این معنا که اصل بر آزادی اطلاع رسانی است، به جز در مواردی که به موجب قانون و برپایه مصالح اقوی و در دامنه‌ای مشخص و قابل پیش بینی محدودیت‌هایی بر اصل یاد شده اعمال گردد، رسانه‌ها نباید حریم را نقض کنند اما هر اطلاع رسانی و توضیح نسبت به زندگی اشخاص هم نقض حریم شناخته نمی‌شود. از دیدگاه اسلام و حکومت اسلامی اصل بر عدم ورود به حریم است، مگر در هنگام ضرورت. ضرورت‌ها تابع عرف و مصلحت جامعه‌اند. و این دیدگاهی که ما باید بپذیریم که آزادی اطلاعات و حق آگاهی یافتن مردم در تخالف و تزاخم با یکدیگر نیست. کافی است اصحاب رسانه در زمان آرایه

مطالبشان به عرف و مصلحت جامعه توجه کنند تا مانع نقض حریم خصوصی شهروندان شوند»^{۳۲}.

۱.۱.۳. نقد راهکار اول:

چنان‌که ملاحظه شد، در این نظر، ابتدا اصل بر آزادی اطلاع رسانی و در چند سطر بعد اصل بر حرمت حریم خصوصی معرفی می‌شود که تناقض آشکاری را می‌نماید. ضمن این که ملاک اصل تلقی شدن، مفقود است. هرچند حرمت حریم خصوصی در مقایسه با آگاهی، وجاهت تاریخی و عرفی و حقوقی بیشتری در اصل بودن خواهد داشت.

سپس، با بیان امکان نقض اصل (حریم خصوصی) به حکم وجود ضرورت، آن را تابع تشخیص اصحاب رسانه در ارتباط با عرف و مصلحت جامعه قرار داده است. این در حالی است که اولاً مصلحت نیز نظیر واژگانی چون امنیت و... مفهومی موسع است که ضابطه روشنی ندارد و واگذاری حقوق و آزادی‌های فردی به چنین بستر قابل تفسیری، نه تنها مشکلی را حل نمی‌نماید، بلکه بستر گسترده‌تری را برای نقض حق‌ها فراهم می‌نماید. ثانیاً تشخیص این مصلحت بر عهده اصحاب رسانه گذاشته شده است. در حالی که بر اساس قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، این مهم از وظایف مقام و نهاد ویژه‌ای است و چنین بیانی محمل قانونی نداشته و اعطای صلاحیتی فاقد مبنا است. از طرفی، در نگاهی کلان و فرامرزی نیز واگذاری چنین تشخیص سرنوشت‌سازی بر رسانه‌ها که به دنبال تجارت و سودآوری هستند و بعضاً از جریانات سیاسی ویژه‌ای تبعیت می‌نمایند، شایسته نیست. بنابراین این راهکار تصویر مناسبی در هم‌نشینی دو مفهوم مورد نظر ارائه نمی‌دهد.

۲.۳. راهکار دوم:

این راهکار در واقع، فرض مقدری است که از سوی نویسنده در پاسخ به پرسش نسبت سنجی در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر، یک پاسخ محتمل به پرسش حاضر می‌تواند باشد که در ادامه مطرح شده و نقد می‌شود.

^{۳۲} افشین پور، منیره، تحلیل فقهی-حقوقی تاثیر رسانه بر نقض حریم خصوصی اشخاص، در: مجموعه

در این راهکار اولویت به حق بر آگاهی و دسترسی آزاد به اطلاعات تعلق می‌گیرد. این ایده با استناد به اصل ۱۴۲ قانون اساسی و نیز «قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشگری و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها» مصوب ۱۳۳۷ که واکاوی میزان دارایی (حریم خصوصی) برخی مقامات عمومی توسط یک مقام صالح مجاز شمرده شده است و هم چنین طبق قانون «منع ازدواج کارمندان وزارت خارجه با اتباع بیگانه» مصوب دی ماه ۱۳۴۵ که کارمندان این نهاد موظف به رعایت این ماده واحده بوده و در غیر این صورت از پست خود اخراج می‌شوند، استنباط می‌نماید، همان‌گونه که دولت در این موارد به منظور حفظ منافع عمومی حق بر نقض حریم خصوصی یک سری از مقامات عمومی را دارد، به طریق اولی شهروندان به عنوان صاحبان اصلی قدرت در راستای مشارکت آگاهانه‌ی سیاسی از چنین حقی برخوردارند. و تنها زمانی برای آن محدودیت قائل می‌شوند که افشای اطلاعات آسیبی بسیار جدی به دنبال داشته باشد که از منفعت دانستن عموم بیشتر باشد.

۱.۲.۳. نقد راهکار دوم:

نفس قانون‌گذاری و منع برخی امور اساساً به این معناست که اصل بر آزادی و جواز و اباحه است و منع نیازمند دلیل و بیان می‌باشد. به همین دلیل نیز اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها و اصل قبح عقاب بلا بیان از اصول مسلم عقلی پذیرفته شده همه نظام‌هاست. بنابراین قانون‌گذار نیز در اصل و مواد قانونی ذکر شده، با ذکر موارد دخالت در امور شخصی برخی مقامات در واقع بر اصل حرمت حریم خصوصی ایشان اقرار می‌نماید و در این مواد با ذکر شرایط به بیان حالات استثنایی می‌پردازد. به عبارت دیگر، قانون‌گذار با طرح موضوع بررسی دارایی‌ها و اموال و شرایط ویژه ازدواج و... اذعان می‌دارد که همچنان اصل بر حرمت حریم خصوصی افراد است مگر در موارد استثنا شده. چه این که اگر قانون‌گذار چنین نمی‌کرد، ما به حکم عقل، مورد را داخل در قاعده عام می‌دانستیم و به حرمت حریم خصوصی این افراد در این موارد حکم می‌نمودیم. بنابراین استنباط اصل بودن آگاهی در این موارد، خلاف فلسفه ذکر شده در قانون‌گذاری است.

نکته دیگر این که، در این روش، دخالت مردم در بررسی حریم خصوصی مقامات عمومی به قیاس اولویت پذیرفته شد. این در حالی است که بررسی، تجسس

و پیگیری این امر توسط دولت، قانونمند و با ضوابط و شرایط خاصی صورت می‌پذیرد و تا زمان دستیابی به نتیجه قطعی بنابر اصول عقلی برائت، دسترسی به محکمه عادلانه و قضایی بودن مجازات‌ها و... از افشای عمومی برحذر نگاه داشته می‌شود. اما در مورد اعطای چنین حقی به مردم هرچند مبنای درستی دارد و قدرت از آن ایشان است، وضعیت متفاوت است. رسانه‌ها برای جلب مخاطب بیشتر و مردم به دنبال ارضای حس کنجکاوی خود، محدوده‌ای برای فرد به عنوان حریم خصوصی باقی نمی‌گذارند و مشکلی حل نخواهد شد.

در نتیجه، ملاحظه نمودیم که با در نظر گرفتن روش‌های تقدم‌گرا که در راهکار اول به نوعی اولویت به حریم خصوصی داده شد و در راهکار دوم به آگاهی عمومی، مقصود مطلوب حاصل نمی‌آید بلکه بر دامنه تنش‌ها افزوده می‌شود. اینک به ارائه راهکاری می‌پردازیم که به نظر در هم‌نشینی این دو مفهوم می‌تواند بهتر عمل نماید و ایرادات سابق را نخواهد داشت.

۳.۳. راهکار پیشنهادی (محدودیت قانونی و رویه قضایی مبتنی بر ایده

تعادل):

به دنبال مباحث پیشین، روشن شد که علی‌رغم عدم ارائه تعریفی واحد از حریم خصوصی، به اتکای مصادیق، حرمت آن بسیار حائز اهمیت است. تا جایی که در عصر حاضر که عصر اطلاعات و گردش آزاد و دسترسی بدون محدودیت به اطلاعات نام گرفته است؛ همواره دغدغه بشر در حفظ این حریم برای حفظ آزادی به عنوان حق بنیادین بوده و به مناسبت، تجسس در امور شخصی افراد را از حوزه آگاهی، خارج کرده است. از طرف دیگر، در برخی موارد بنابر رعایت مصلحت زندگی اجتماعی، کنترل برخی از حوزه‌های خصوصی با رعایت شرایط خاصی مجاز دانسته شده است. بنابراین شاید بتوان طریق هم‌نشینی حق بر حریم خصوصی و آگاهی عمومی را نظام‌مندی آن در قالب قوانین دانست. بدین توضیح که، مقامات عمومی نیز به حکم اولیه بشر بودن، صلاحیت برخورداری از حریم خصوصی را دارا هستند و اقتضای اداره مطلوب جامعه در عصر حاضر نیز آگاهی عمومی و کنترل عامه و به ویژه رسانه‌ها را به رسمیت می‌شناسد. بنابراین با تعیین حدود و ثغور منطقی این مداخله می‌توان نتیجه مطلوبی در هر دو سو به دست آورد. طریق تعیین این محدوده نیز از طریق قانون و مقام صلاحیت‌دار قانون‌گذاری مشخص خواهد شد. به عبارت دیگر، هر مقام عمومی، واجد صلاحیت اداره امر عمومی مشخصی است. قانون‌گذار

نیز با در نظر گرفتن مصالح اجتماعی و اداره جامعه چنان که در هر زمینه‌ای این گونه رفتار می‌نماید و صلاح مملکت را می‌سنجد تعیین می‌نماید که کدام بخش از حریم خصوصی مقام عمومی در ارتباط مستقیم (تاکید از نویسنده است) با وظیفه محوله است؛ و برای کنترل و نظارت آن سازوکاری مشخص می‌کند؛ یا نهادی را به عنوان ناظر قرار می‌دهد و یا در صورت عدم تعیین نهاد خاص، دست عموم را در پیگیری و اطلاع رسانی به مرجع صالح باز می‌گذارد. چنان که در کنترل دارایی‌ها یا ازدواج کارکنان وزارت خارجه به عنوان مثال چنین کرده است.

در توضیح حریم خصوصی مستقیماً مرتبط با وظیفه مقام عمومی، ذکر این نکته لازم می‌آید که کار ویژه مقام عمومی باید تعیین گردد. یعنی به عنوان مثال، کار ویژه یک رئیس جمهور، رئیس مجلس، وزیر و... چیست و به منظور انجام چه وظیفه‌ای قبول مسئولیت نموده است. در این زمینه شفافیت قانونی بسیار حائز اهمیت خواهد بود. پس از آن باید معلوم شود که بنابر مسئولیت محوله، کدام بخش از حریم خصوصی وی به عنوان فردی آزاد، در ارتباط مستقیم با عملکرد مطلوب و پاسخگویی وی است. مثلاً دارایی‌ها و... علت این امر آن است که، ما می‌توانیم توالی زنجیره ارتباط مسائل مختلف را تا بی‌نهایت ادامه دهیم. مثلاً بگوییم یک مدیر اجرایی باید از سلامت رفتاری برخوردار باشد. از جمله عوامل مرتبط با این موضوع، تربیت خانوادگی، عاطفه در زندگی زناشویی، مدرسه‌ای که در آن درس خوانده و... است و بدین ترتیب جواز دخالت در همه این امور را بیابیم. در حالی که اگر بدانیم مسوولیت اصلی آن مدیر اجرایی چیست و ما از او انجام چه کاری را می‌خواهیم آن گاه، دامنه نظارت به سامان و سنجیده خواهد شد.

بدین ترتیب، با مشخص شدن محدوده نظارت، هم حرمت حریم خصوصی افراد حفظ خواهد شد (سایر بخش‌های حریم خصوصی مقامات مصون از مداخلات سلیقه‌گرایانه خواهد شد و محدوده تعیین شده نیز دقت و آگاهی عملکرد مردم و مسوولین را بالا می‌برد) و هم شفافیت در دامنه نظارت و کنترل حاصل خواهد آمد. این شیوه با رعایت اصول عقلی برائت، قضایی بودن مجازات‌ها، دسترسی به محکمه عادلانه، استمرار خدمت عمومی نیز هم سو بوده و از این جهت نیز تقویت می‌شود.

تنها نکته‌ای که ممکن است در این رابطه مطرح شود، چگونگی تعیین کارویژه مقام عمومی و حوزه حریم خصوصی مستقیماً مرتبط با آن است. هر چند این مهم،

با تدابیر بلند مدتی نظیر دقیق‌تر کردن عبارات قانونی در حوزه وظایف و اختیارات مقام عمومی، افزایش سطح آگاهی‌های عمومی در زمینه اداره مطلوب جامعه و... امکان پذیر خواهد بود، اما آن چه به بهبود روند آن می‌تواند بسیار کمک نماید، استفاده از رویه قضایی و به کارگیری شیوه بالانس است.

رویه قضایی علی‌رغم اهمیت به سزایش، در جامعه ما مغفول واقع شده است. هر چند تلاش‌های مؤثری در انتشار آرای محاکم به ویژه اداری و جلسات نقد آرا و... صورت پذیرفته ولی همچنان جای کار باقی است و خلاء در این حوزه محسوس است. با این وجود، همت در بهره‌مندی مطلوب از پتانسیل موجود می‌تواند آثار مطلوبی در مسئله مورد نظر ما داشته باشد. چنان‌که خالق بسیاری از شیوه‌های مکمل قانونی، همین رویه‌های قضایی بوده‌اند. از جمله ایده بالانس یا تعادل. علی‌رغم صورت‌بندی‌های متعددی که در این زمینه وجود دارد، مشهورترین مدل تعادل حداقل در دنیای انگلیسی زبان در کانادا توسط قاضی نیکسون در دعوای ”R علیه OAKES“^{۳۳} مطرح شده است. این ایده شامل سه آزمون مناسبت، ضرورت و تناسب به معنای خاص است که به ترتیب مطرح شده انجام می‌شود.^{۳۴} اگر حق بر آگاهی عمومی را مصلحت اداره جامعه امروزی در نظر بگیریم و آن را در کنار حق بر حریم خصوصی قابل ارزیابی در ایده تعادل قرار دهیم، آن‌گاه در صورت مشاهده مداخله در حریم خصوصی مقام عمومی با توجیه حق بر آگاهی عمومی در راستای اداره بهتر، سوالات مطرح شده در هر آزمون این گونه خواهد بود که، آیا دخالت در این حوزه از حریم خصوصی مقام عمومی ما را به هدف کنترل عمومی از سوی مردم و اداره بهتر می‌رساند؟ (آزمون مناسبت). در صورت منفی بودن پاسخ، مداخله ناموجه و حرمت حریم خصوصی افراد حفظ خواهد شد اما در صورت پاسخ مثبت موجه، نوبت به آزمون بعد می‌رسد؛ آیا دخالت در این حوزه از حریم خصوصی مقام عمومی تنها راه رسیدن به هدف کنترل عمومی از سوی مردم و اداره بهتر است؟ (آزمون ضرورت). در این مرحله نیز تنها پاسخ مثبت موجه ما را وارد مرحله آخر می‌کند که، آیا میزان دخالت در این حوزه از حریم خصوصی مقام عمومی با هدف مزبور متناسب است یا خیر؟ (آزمون تناسب به معنای خاص یا همان اصل تناسب معروف در حقوق اداری که در آن میزان

^{۳۳} R v. Oakes [1986] 1 S.C.R. 103

^{۳۴} <https://scc-csc.lexum.com/scc-csc/scc-csc/en/item/117/index.do>

دخالت بسته به اهمیت هدف مشخص می‌شود^{۳۵}. در تمام این مراحل، این قاضی صلاحیتدار است که با در نظر گرفتن قوانین، عرف، شرایط و شواهد به پاسخ‌های موجه مثبت یا منفی دست یافته و تکلیف قضیه را روشن می‌نماید.

نتیجه گیری

حرمت حریم خصوصی اشخاص که مبتنی بر فطرت آزاد انسانی و قدرت اختیار وی است، دارای چنان اهمیتی است که حتی در عصر جدید که عصر گردش آزاد اطلاعات و مشارکت عموم در اداره جوامع نام گرفته، دغدغه بشر برای حفظ محدوده و احترام بدان همچنان پابرجا بلکه پررنگ‌تر شده است. در این بین، آثار دخالت در حریم خصوصی بیشتر متوجه کسانی می‌شود که بیشتر با مردم در ارتباط بوده و از طرفی پست‌های حساسی بر عهده دارند. از میان چهره‌های عمومی، دسته مقامات عمومی که اداره کننده امور مملکتی هستند مورد بررسی ما قرار گرفتند. نظریات اعراض، ریاکاری و منفعت عمومی مطرح شده درباره جواز حضور بدون محدوده مردم در رصد فعالیت‌های ایشان، از ضعف‌های چشم‌گیری رنج می‌بردند که ما را پابرجایی حکم اولیه حرمت حریم خصوصی یاری نمود. اما اقتضای اداره امروز، مشارکت عموم و پاسخ‌گویی مسئولین را بیش از پیش می‌طلبد. این مهم، ما را بر آن داشت تا با مطرح نمودن نظرات موجود در چگونگی هم‌نشینی حریم خصوصی در کنار آگاهی عمومی، نهایتاً ایده محدودیت قانونی و رویه قضایی مبتنی بر ایده تعادل را بپذیریم.

^{۳۵} در این باره ن.ک: مرادی برلیان، مهدی، اصل تناسب (در نظام حقوقی اتحادیه اروپایی با نگاهی به آرای دیوان عدالت اداری)، خرسندی، ۱۳۹۲ و بیات کمیتکی، مهناز، مطالعه نظری نسبت حقوق فردی و مصالح جمعی، رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰

منابع

فارسی:

- امامی، محمد و استوار سنگری، کورش، **حقوق اداری**، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ دوم، پاییز ۱۳۸۷
- انصاری، باقر، **حقوق حریم خصوصی**، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۶
- طباطبایی موتمنی، منوچهر، **حقوق اداری**، سمت، ۱۳۹۰
- مرادی برلیان، مهدی، **اصل تناسب (در نظام حقوقی اتحادیه اروپایی با نگاهی به آرای دیوان عدالت اداری)**، خرسندی، ۱۳۹۲
- مقالات:
- افشین پور، منیره، تحلیل فقهی-حقوقی تاثیر رسانه بر نقض حریم خصوصی اشخاص، در: مجموعه مقالات کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، ۱۳۹۳
- انصاری، باقر، «حریم خصوصی در رسانه های همگانی»، پژوهش های ارتباطی، شماره ۳۹ و ۴۰، زمستان ۱۳۸۳
- انصاری، باقر، «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام تطبیقی و ایران»، **حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)**، شماره ۶۶، زمستان ۱۳۸۳
- باقی، عبدالرضا، **حریم خصوصی در فرهنگ اسلامی و اندیشه انسانی**، همایش ملی شهروند مسوول، بی تا
- جعفری، علی و عابدینی، عظیم، «مبانی روایی حمایت از حریم خصوصی»، **فقه و حقوق ارتباطات**، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

- حیدری، محمدعلی، «بررسی مسایل مستحدثه رسانه‌های جدید: حرمت تجسس در رسانه و خبرنگاری»، **زمانه**، شماره ۲۷ و ۲۸، مهر و آبان ۱۳۹۱
- شاه علی، احمد رضا، «اخلاق رسانه و حریم خصوصی: رویکرد اسلامی»، **رسانه**، شماره ۸۰، زمستان ۱۳۸۸
- شهریاری، حمید، «حریم خصوصی و جامعه اطلاعاتی»، **پژوهش‌های فلسفی-کلامی**، شماره ۳۱ و ۳۲، بهار و تابستان ۱۳۸۶
- عامری، معصومه و عامری، زهرا، «حریم خصوصی در کلام و سیره امام علی (علیه السلام)»، **علوم سیاسی**، سال چهاردهم، شماره ۵۶، زمستان ۱۳۹۰
- کدخدایی، عباسعلی، «دسترسی آزاد به اطلاعات موانع و ضرورت‌ها»، **رسانه**، شماره ۵۵، پاییز ۱۳۸۲
- کدیور، محسن، «پیش درآمدی بر بحث عمومی و خصوصی در فرهنگ اسلامی»، **بازتاب اندیشه**، شماره ۴۶، بهمن ۱۳۸۲
- گرشاسبی، علی، «دیوان اروپایی حقوق بشر: انتقاد از ژوزف استالین مغایرتی با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ندارد»، **تازه‌های ملل متحد (دوهفته نامه انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد)**، شماره ۴۹، بهمن ۱۳۹۳
- نمکدوست، حسن، «اخلاق حرفه‌ای حریم خصوصی و حق دسترسی به اطلاعات»، **رسانه**، شماره ۶۶، تابستان ۱۳۸۵
- هوسمن، کارل، «حرمت حریم خصوصی در برابر حق مردم به آگاهی از رویدادها»، ترجمه داوود حیدری، **رسانه**، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۷۵

- بیات کمیتکی، مهناز، مطالعه نظری نسبت حقوق فردی و مصالح جمعی،

رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰

لاتین:

- Alfino, M. & Randolph Mayes, G., “Reconstructing the Right to Privacy”, California State University, (2002)
- Banisar David, “The Right to Information and Privacy: Balancing Rights and Managing Conflicts”, The International Bank for Reconstruction and Development, The World Bank, (2011) available at: http://www.google.com/url?url=http://wbi.worldbank.org/wbi/Data/wbi/wbicms/files/drupal-acquia/wbi/Right%2520to%2520Information%2520and%2520Privacy.pdf&rct=j&frm=1&q=&esrc=s&sa=U&ei=MatUVdDbI8issAHh14HgBw&ved=0CBQQFjAA&usg=AFQjCNE9uiAJhr_GPt2J-MEwkVilyA0aPQ
- Glancy Dorothy J., “THE INVENTION OF THE RIGHT TO PRIVACY”, ARIZONA LAW REVIEW, VOLUME 21, NUMBER 1, (1979)
- Godfrey K F Kan, “CIVIL LIABILITY FOR INVASION OF PRIVACY”, at: <http://www.info.gov.hk>
- Hilden, J., “DOES CELEBRITY DESTROY PRIVACY? Naomi Campbell And Narcotics Anonymous”, (۲۰۰۲) accessed on ۲۲ July ۲۰۱۴ at <http://writ.news.findlaw.com/hilden/۲۰۰۲۰۴۰۲.html>

- Judith Jarvis Thomson, “The Right to Privacy”
Philosophy & Public Affairs, ۴,۴(۱۹۷۵)
- Mendel, Toby, “The public’s right to know, ARTICLE
۱۹”, ۳۳Islington High St., London, N۹ ۱LH, UK
(۱۹۹۹)
- Taylor Nick, “State Surveillance and the Right to
Privacy”, Surveillance & Society 1(1), (2002),
available at: <http://www.surveillance-and-society.org/articles1/statesurv>
- the United Nations High Commissioner for Human
Rights, “The right to privacy in the digital age”,
Report of the Office of the United Nations High
Commissioner for Human Rights, Human Rights
Council Twenty-seventh session, 30 June 2014,
(2014) available at:
http://www.ohchr.org/EN/HRBodies/HRC/RegularSessions/Session27/Documents/A.HRC.27.37_en.pdf

سایت‌ها:

- <http://hudoc.echr.coe.int>
- <http://www.washingtonpost.com>
- <https://scc-csc.lexum.com>